

ضعف مدیریت ریسک در کشورهای در حال توسعه

منبع: URBAN AGE, SUMMER, 1999

مترجم: دکتر یونس محمدی

تصاحب می‌شود. ایالات متحده، انگلستان و ژاپن صاحب ۵۵ درصد از کل این مبلغ هستند. در ایالات متحده بیش از ۵۰ درصد از کل خسارت پرداختی به املاک خصوصی آسیب‌دیده از فاجعه‌های طبیعی توسط بیمه پرداخت شده است. در مقابل در قاره آسیا که نیمی از تعداد خسارات ناشی از فاجعه‌های طبیعی و همچنین دوسوم قربانیان را در سال ۱۹۹۷ به خود اختصاص داده تنها ۸ درصد از پوشش بیمه این بازار جهانی را دارا است و خود این رقم کمتر از ۲ درصد خسارات حادث شده است و مابقی هزینه این خسارات توسط دولت یا خود قربانیان و درحالی بسیار جزئی نیز از طرف آژانس‌های بین‌المللی کمک‌رسانی پرداخت شده است.

افزایش فاجعه‌های طبیعی در کشورهای در حال توسعه و فقدان ابزارهای انتقال ریسک تأثیرات شدیدی بر نهادهای قرض‌دهنده بین‌المللی بجای گذاشته است. اخیراً اکثر کشورهای در حال توسعه برای تامین هزینه‌های بازسازی زیرساخت‌های خود به شیوه سرمایه‌گذاری بحران روی می‌آورند تا آژانس‌های بین‌المللی قرض‌دهنده و یا بودجه‌های اختصاص یافته خود. از سال ۱۹۸۰ تاکنون بانک جهانی برای کمک به کشورهای آسیب‌دیده در اثر فاجعه‌های طبیعی ۱۴ میلیارد دلار وام تصویب کرده است. برآورد بانک جهانی این است که بخشی از این اعتبارها را که برای احداث زیرساخت‌های جدید توسعه‌ای پرداخت شده برای بازسازی خوابی‌های ناشی از حوادث طبیعی مصرف شده است.

در تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه زیرساخت‌ها متعلق به دولت هستند و پس از فاجعه‌های بزرگ هزینه‌های بازسازی آن را دولت به‌عهده دارد درحالی که این وظیفه (پرداخت

توسعه یافت هم درجهت شبیه‌سازی ویژگیهای فیزیکی و اثرات بلایای طبیعی و هم برآورد خسارات اقتصادی در طول دوره‌های مشخصی از زمان، مورد استفاده قرار گرفت. با وجود این، صنعت بیمه علی‌رغم هشدارهای ناشی از بدبرآورد کردن هزینه فاجعه‌ها، تا دهه ۱۹۹۰ توجه چندانی به این روش نداشت. زنجیره‌ای از فاجعه‌های طبیعی بزرگ و مهتربین آن طوفان «اندرو» در سال ۱۹۹۲ نحوه برخورد و رفتار صنعت بیمه را تغییر داد.

توسعه الگوسازی رایانه‌ای و رشد دانش و درک ریسک و بالاخره اثرات ناشی از فاجعه‌های طبیعی بازارهای بزرگتری را برای صنعت بیمه به وجود آورد به گونه‌ای که حجم جهانی بیمه‌های سوانح طبیعی طی سه سال گذشته افزایشی ۳۴ درصدی را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۷ حجم رایج‌ترین نوع قراردادهای بیمه سوانح که تمدید شده بالغ بر ۵۲/۹ میلیارد دلار بوده است. نوآوریها در زمینه الگوسازی رایانه‌ای به‌نوبه خود برای شرکتهای بیمه و موسسات از این نوع فرصت‌های را به وجود آورد که این نوع ریسکها را به بازارهای مالی نیز گسترش دهند. به جای تعریف ریسک سنتی که شرکتهای بیمه به‌طور معمول آن را پوشش می‌دادند اوراق قرضه سوانح و بیمه تکمیلی سوانح نیز به‌عنوان ابزارهای جدید مالی به مفاهیم بیمه اضافه شدند. طی سال ۱۹۹۸ قریب ۲/۷ میلیارد دلار از این نوع اوراق در رابطه با زلزله و طوفان در بازارهای مالی آمریکا و ژاپن منتشر شد. درحالی که این رقم کمتر از ۲ درصد کل بازار بیمه انتقال ریسک را تشکیل می‌دهد دستیابی به این بازار مالی چشم‌انداز درازمدتی را در مقابل این نوع بیمه قرار می‌دهد. متأسفانه سود این نوع بیمه (بیمه انتقال ریسک) تماماً توسط جهان توسعه‌یافته

علی‌رغم پیشرفتهای قابل توجه فن‌آوری، امکانات پیشگویی دقیق فاجعه‌های طبیعی محدود است. درحالی که رویکردهای نوین و پیچیده در چارچوب صنعت بیمه توسعه یافته اما این رویکردها و اقدامات کشورهای در حال توسعه را شامل نمی‌شود و این جوامع در برابر فاجعه‌های طبیعی بی‌دفاع مانده‌اند.

هرگونه سیاست بیمه‌ای در برابر نیروهای غیرقابل پیش‌بینی و منهدم‌کننده فاجعه‌های طبیعی مانند: زلزله، سیل، طوفان، کاری است به غایت مشکل. تمهیدات بیمه‌ای معمولاً در برابر حوادثی که مکرراً اتفاق می‌افتد و تبعات مالی بزرگی را ندارند به کمک گرفته می‌شوند حوادثی مثل تصادفات رانندگی یا دزدی. این ریسکها از نظر کمی و زمانی قابل طبقه‌بندی بوده و اساساً کوچک هستند. فاجعه‌های طبیعی درست برعکس مکرر نبوده و دامنه تخریب آنها مناطق وسیع جغرافیایی و منطقه‌ای را دربرمی‌گیرد. کشورهای در حال توسعه اغلب بدترین ضربه‌ها را از نظر اقتصادی و اجتماعی در جریان این حوادث متحمل می‌شوند. عوامل تبیین‌کننده این ضربه‌پذیری متعدّدند. علت کلیدی آن است که ابزارهای ویژه کمی کردن و فنون الگوسازی برای تدوین چرایی برنامه‌ریزی و مدیریت ریسک (خطر) برای بهره‌گیری از منافع آن وجود ندارد. عامل دوم فقدان سنت بیمه در کشورهای در حال توسعه است و سرانجام اینکه در این کشورها ساختارهای قضایی و با مرجعیتی که مسئولیت ارزیابی، گردآوری و انتقال ریسک را دارا باشد، وجود ندارد.

طی دهه گذشته (۱۹۸۰) پیشرفتهای عظیمی در مورد درک ماهیت و عواقب بلایای طبیعی صورت گرفته و این مدیون استفاده روزافزون از روش الگوسازی و شبیه‌سازی است. فنون الگوسازی رایانه‌ای که طی دهه ۷۰ میلادی

حلقه‌های ارتباطی

بین مشتری و کالا

از: سیاوش مگری

چندسال پیش دکتر ساساکی^(۱) در یک گردهمایی در هتل استقلال تهران در مورد موفقیت ژاپن در صنعت، نکات مهمی را بیان داشت.

چکیده مطالب دکتر ساساکی این است که ژاپن در خلال جنگ جهانی تولیدکننده کالاهای بنجل بود. تولیدکنندگان و مسئولان بر این باور بودند که ژاپنی‌ها نمی‌توانند کالایی را با کیفیت عالی تولید کنند. ولی بعدها دو شرکت «سونی» و «هوندا» موفق شدند عکس آن عمل کنند.

موفقیت ژاپن در صنعت هیچ‌گونه پیچیدگی و رمزی را دربر نداشت، مگر به کارگیری تجربه و اصولی که زمینه‌ای را فراهم کرد که ژاپن به یکی از بزرگترین قطبهای صنعتی تبدیل شود.

دکتر بیان^(۲)، داستانی را از قول دکتر ساساکی نقل می‌کند که حلقه اتصال بین فروشنده و مشتری را به وجود می‌آورد:

زمانی از فروشگاههای شرکت «ماتسوشیتا» یک دستگاه ضبط استریوی معمولی (پساناسونیک) خریده بودم روزی از مقابل آن فروشگاه رد می‌شدم، فروشنده مرا دید و سوال کرد آیا از ضبط استریو راضی هستید؟

جواب دادم صدای آن صاف نیست، روز بعد تعمیرکاری به منزل آمد و ضبط را تعمیر کرد. به این صورت بین «تولید» و «فروش» حلقه بازخوردی ایجاد شد.

امروز در هر واحد اقتصادی یا بنگاه صنعتی

نیرومند برای برنامه‌ریزی باشد. در رابطه با خطرات فاجعه‌های طبیعی ابزارهای جدیدی طی پنج سال گذشته برای کمک به نهادهای انتقال ریسک به بازارهای سرمایه در کشورهای توسعه‌یافته به وجود آمده است. مناسبانه متافع این ابزارها به کشورهای درحال توسعه راه نیافته است. ولی با توجه به تکرار و شدت فاجعه‌های طبیعی کوشش شده است که این نوع فعالیتهای اقتصادی به تعداد بیشتری از کشورها راه یابد. □

افزایش مخیر هزینه‌های حوادث طبیعی و ظرفیت بازارهای بیمه

سال ۱۹۹۸ یکی دیگر از سالهای پرخسارت در رابطه با فاجعه‌های طبیعی است. در این سال ۵۰ هزار نفر زندگی خود را از دست دادند و حدود ۹۰ میلیارد دلار خسارت اقتصادی به بار آمد. این بالاترین سال خسارت‌بار در تاریخ حوادث طبیعی بعد از سال ۱۹۹۵ است که طی زلزله کوبه در ژاپن اتفاق افتاد. در مقایسه با ۳۰ سال پیش، میزان خسارات سال ۱۹۹۸ نه برابر افزایش داشته است. برای سال ۱۹۹۹ نیز اگرچه ارقام نهایی هنوز منتشر نشده ولی با توجه به تعدد حوادث و بویژه زلزله ترکیه و سیل و نوزولا ارقام مربوط به خسارات جانی و مالی حوادث طبیعی باز هم بیشتر خواهد شد.

طی ده سال گذشته حوادث ژئولوژیکی (زمین‌شناختی) مانند زلزله، آشفشان کماکان ادامه داشته درحالی که تعداد حوادث جوی مانند طوفان، خشکسالی، سیل، بهمن و آتش‌سوزی جنگلها افزایش پیدا کرده است. باد و طوفان و سیل جزو رایج‌ترین حوادث و هرکدام حدود ۳۳ درصد حوادث را تشکیل می‌دهند. ۶۰ درصد مرگ‌ومیر حوادث طبیعی ناشی از سیل است. در حالی که خسارات اقتصادی ناشی از سیل و انواع بادهای و طوفانها هرکدام ۳۰ درصد کل خسارات را تشکیل می‌دهند. تنها ۸ درصد خسارات سیل در پوشش بیمه قرار داشته‌اند این رقم برای طوفانها به ۶۷ درصد می‌رسد. علت این تفاوت این است که طوفانها در مناطقی که سطح استفاده بیمه در آنها بالا است اتفاق می‌افتد مثل ایالات متحده، ژاپن و استرالیا درحالی که مناطق سیل خیز بیشتر در آسیا هستند جایی که سطح بیمه پایین است.

هزینه‌های خسارات) در صورت استقرار بازار بیمه می‌توان تقسیم شود. برای ایجاد نظامهای حقوقی و سرشماری افراد در معرض ریسک فاجعه‌ها و همچنین ایجاد محیطی مناسب و فعال برای بازار بیمه خصوصی ممکن است نیاز به تحولی در حکومت نیز ضروری شود.

رشد صنعت بیمه در اکثر کشورهای درحال توسعه کند است برای مثال سهم آمریکای لاتین تنها ۱/۶ درصد از کل حق بیمه‌های پرداختی جهان است. در رابطه با تولید ناخالص داخلی سهم بیمه در تولید ناخالص داخلی کمتر از ۲ درصد است درحالی که این رقم برای آمریکا شمالی حدود ۸ درصد برآورد می‌شود. فقدان فرهنگ بیمه و همچنین الزامات ساختاری آن در کنار قیمت‌گذاری و انتخاب و انتقال ریسک نشانگر این است که مفهوم انتقال با دورکردن ریسک به مثابه یک امکان و یا انتخاب تلقی نمی‌شود به عبارت دیگر ظرفیت اقتصادی استفاده از دور کردن ریسک در این کشورها به‌دور می‌رود.

در کشورهای توسعه‌یافته فراگرد انتقال ریسک (وضع بیمه) اغلب توسط آژانس‌های تخصصی دولتی اداره می‌شود در این رابطه می‌توان از «اداره زلزله کالیفرنیا» نام برد. اما در کشورهای درحال توسعه اکثر خطرهای ناشی از فاجعه‌ها مستقیماً بر دوش دولت مرکزی است و هیچ نهاد تخصصی و ویژه‌ای برای پرداخت بهای خرابیها وجود ندارد. از نظر تاریخی نیز برای اینکه بتوان خطر را انتقال داد اساساً باید نظامی حقوقی برای این کار وجود داشته باشد. بدون نهاد یا مرجعی تخصصی - دولتی که مسئولیت این امر را به‌عهده داشته باشد بعید به نظر می‌رسد ساختار بیمه‌ای و پرداخت خسارات به‌درستی مورد استفاده قرار گیرد.

گسترش الگوسازی از جمله عواملی است که باید به‌طور دقیق مبنا قرار گیرد تا امکان ایجاد ساختار مناسب پرداخت در موارد حوادث مشخص به‌وجود آید. برای مثال می‌توان از ایجاد اوراق قرضه خطر زلزله در توکیو نام برد که مبنای پرداخت آن اندازه زلزله و محل وقوع آن قرار گرفته است. ویژگیهای دقیق حادثه طبیعی پارامتری تعیین‌کننده در تعهد این اوراق قرضه محسوب می‌شود. در مواردی که تعریف دقیق در تعهد پرداخت امکان‌پذیر نباشد این پارامتر خود تنها مبنای انتخاب می‌شود.

دورسازی و انتقال خطر می‌تواند وسیله‌ای